

بررسی تطبیقی ویژگی‌های هنری و تاریخی شش تیغ سلطنتی محفوظ در خزانه جواهرات ملی ایران*

نوع مقاله:
پژوهشی

نگین رستمی**

سید سعید سید احمدی زاویه***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۵

چکیده

خزاین سرزمین ایران، هرگاه استقلال و دولتی قوی داشته، مالا مال از جواهر، نفایس و سکه بوده است. حتی در دوره‌های ضعف و حاکمان بی‌کفایت نیز آن قدر از این قبیل داشته‌اند که چشم ناظران و سیاحان خارجی را خیره کند و ایشان را به تحسین و اعجاب وادارد. این ثروت و دارایی دربارهای ایران، همواره به منزله قدرت و پشتوانه‌ای برای کشور محسوب می‌شده است، از این رو در حفظ و صیانت آن کوشش می‌کرده‌اند. خزانه جواهرات ملی ایران، نمایشگاهی از جواهرات درخشانی است که در طول ادوار مختلف تاریخ به خصوص دوره قاجار، جمع‌آوری شده‌اند و هر بیننده‌ای را مجذوب شکوه و زیبایی خود می‌کند. از نفیس‌ترین اشیایی که در این خزانه به چشم می‌خورند، شمشیرهای مرصع به جواهراتی هستند که هر کدام، جذابیت شگفت‌آوری دارند. مقاله حاضر که به روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات آن به شیوه کتابخانه‌ای و مشاهده مستقیم آثار خزانه جواهرات ملی ایران انجام گرفته است، به بررسی ۶ نمونه از این شمشیرها پرداخته است. این تحقیق در تلاش است ویژگی‌های هنری و نمادین این شمشیرها را بررسی نموده و به این پرسش پاسخ دهد که آیا این شمشیرهای آراسته و تجملی، جنبه کاربرد در میدان جنگ داشته‌اند یا تنها سمبلی برای نشان دادن قدرت و شکوه شاهان و قدرتمندان بوده‌اند؟ نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که شمشیرهای این دوره گذشته از نفاست و ارزش‌های فوق‌العاده مادی که به دست صنعتگران ساخته و پرداخته می‌شد، برخوردار از نشانه‌های رمزی و آیینی و نیز مرتبط با اعداد و ادعیه‌ای می‌باشند که از باورها و اعتقادات مذهبی و به خصوص اعتقادات شیعی برگرفته شده‌اند.

کلیدواژه‌ها:

جواهرات سلطنتی ایران، موزه جواهرات ملی، شمشیرهای قاجار، ویژگی‌های هنری.

* این مقاله، مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده اول با عنوان «بررسی ویژگی‌های فنی و هنری شمشیرهای خزانه جواهرات ملی» می‌باشد که به راهنمایی دکتر سید احمدی زاویه در دانشگاه هنر تهران به انجام رسیده است.

** کارشناس ارشد صنایع دستی (نویسنده مسئول). پست الکترونیک: incredible_girl2006@yahoo.com

*** دانشیار، دانشگاه هنر تهران.

۱. مقدمه

انواع گوهرها و زیورهای گوناگون برجای مانده از گذشته، مبتنی بر شناختی است که نیاکان ما درک کرده و به آن توجه داشتند. پیدایش شاهنشاهی‌های بزرگ و نیرومند و تشکیل دربارهای باشکوه و ثروتمند در طول تاریخ ایران، باعث گردآمدن گوهرهای نایاب و گرانبهائی در گنجینه‌های ایران گردیده است (قربانی ۱۳۸۲، ۸). گنجینه بی‌مانند خزانه جواهرات ملی، مجموعه‌ای از گرانبهاترین جواهرات جهان است که طی قرون و اعصار، بدین صورت گرد هم آمده است. مبنای شکل‌گیری خزانه جواهرات ملی، به دوره حکومت صفویان بازمی‌گردد و اطلاعات روشنی از خزانه ایران در دوره‌های پیش از صفویان در دسترس نیست.

در تاریخ جواهرات سلطنتی ایران و در میان شاهان قاجار، فتحعلیشاه، مرتبیتی خاص دارد؛ زیرا او بود که این مجموعه را به این صورت که امروزه می‌شناسیم درآورد. در بین شاهان قاجار، ناصرالدین شاه، آخرین کسی بود که به جواهرات سلطنتی ایران اثری چشمگیر افزود و اینها هنوز در مجموعه ملی ایران ارجمند است. او در کاخ گلستان موزه‌ای ساخت و بسیاری از جواهرات سلطنتی را در معرض تماشای مهمانان عالیقدر خود گذاشت. بر اثر قانونی که در ۲۵ آبان ۱۳۱۶ شمسی به مرحله اجرا درآمد، جواهرات سلطنتی، به بانک ملی انتقال داده شد و وثیقه قسمتی از بدهی دولت بابت پشتوانه اسکناس قرار گرفت. از این راه، مجموعه جواهرات سلطنتی از دارایی شخص شاه خارج شد و جزئی از منابع ملی کشور گردید. در سال ۱۳۳۹ شمسی با تأسیس بانک مرکزی ایران، جواهرات به این بانک سپرده شدند و اکنون نیز، هرچند در جایگاه مخصوصی که در بانک ملی برای آنها ساخته شده قرار دارند، در صیانت این بانک هستند. (مین و تشینگام ۱۳۵۵، ۲۹-۳۰).

تا اواخر سال ۱۳۳۹ شمسی، جواهرات سلطنتی ایران در زیرزمین‌های تاریک پنهان بودند و جز در موارد نادر و به‌خصوص، چشم بیگانه‌ای به آنها آشنا نمی‌شد. اما در روز سوم دی سال مزبور، محمدرضا پهلوی، به شکل رسمی، نمایشگاه جدیدی از زبده این جواهرات را بازگشایی نمود. در نتیجه، امکان بازدید از این گنجینه که روزگاری محدود به دربار بود، برای عموم فراهم شد. اغلب اشیای خزانه ملی به دست هنرمندان و صنعتگران ایرانی ساخته شده‌اند که گواهی بر توانمندی و چیره‌دستی ایرانیان در جواهرسازی و گوهرتراشی است (ناشناس ۱۳۹۲، ۲۷).

هر قطعه از این جواهرات، گویای بخشی از تاریخ پر فراز و نشیب ملت بزرگ ایران و مبین ذوق و خلاقیت‌های هنری مردم این مرز و بوم است که خاطرات تلخ و شیرین شکست‌ها، پیروزی‌ها، غرور و خودنمایی‌ها و فرمانروایی همراه با نخوت زمامداران گذشته را تداعی می‌کند که پس از فراز و نشیب‌های فراوان به دست ما رسیده است و علاوه بر جایگاه بی‌بدیل اقتصادی و مادی، به عنوان پشتوانه فرهنگی عظیم تاریخ، تمدن و فرهنگ یک ملت به شمار می‌آید. خزانه جواهرات ملی که گنجینه‌ای نفیس از آثار مختلف هنری است، شمشیرهایی را در دل خود جای داده که با نگرستن به آنها متوجه می‌شویم که در این دوره، گویی هنرمند به نمایش طبیعی اشیاء توجهی ندارد و خواستار به وجودآوردن اثری کاملاً هنری و فاخر است تا احساسات هر بیننده‌ای را برانگیزد و در عین حال، محمل پیام و تداعی قدرت و قوت شاهان آن دوره باشد. این اشیاء قبل از آن که ابزاری برای جنگ باشند، آثار هنری‌ای هستند که نشانگر هنر هنرمندان آن دوره نیز می‌باشند.

مقاله حاضر که به روش توصیفی - تحلیلی و گردآوری اطلاعات آن به شیوه کتابخانه‌ای و مشاهده مستقیم آثار خزانه جواهرات ملی ایران انجام گرفته است، به بررسی ۶ نمونه از این شمشیرها می‌پردازد. این مقاله سعی بر آن دارد تا با مطالعه هر یک از این آثار، ویژگی‌های هنری و نمادین آنها را که تاکنون کمتر مورد بررسی واقع شده‌اند، مورد مطالعه قرار دهد. هم‌چنین در تلاش است ویژگی‌های هنری و نمادین این شمشیرها را بررسی نموده و به این پرسش پاسخ دهد که آیا این شمشیرهای آراسته و تجملی، جنبه کاربرد در میدان جنگ داشته‌اند یا تنها سمبلی برای نشان دادن قدرت و شکوه شاهان و قدرتمندان بوده‌اند؟

مجموعه
پژوهش‌های
ایران

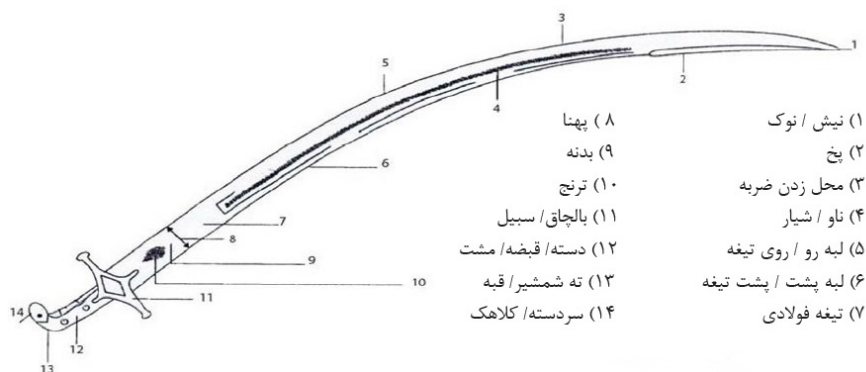
سال سوم، شماره ۲، پیاپی ۵
پاییز و زمستان ۹۹

۷۴

۲. بررسی شمشیرهای خزانه جواهرات ملی

تاریخچه جواهرات در ایران، کهن اما مکتوم و نامعلوم است. برای ساخت جواهرات، از طلا، نقره و برنز و انواع سنگ‌های رنگی استفاده می‌شده است و از آنجا که ایرانیان اهمیت زیادی به تحمل و آراستگی می‌دادند، از این جواهرات برای تزئین لباس‌ها، آرایش مو و ساخت ظروف استفاده می‌کردند و از این نظر، هنر جواهرسازی ایرانیان در هر دوره تاریخی دارای شیوه و نقش و نگارهای ویژه‌ای است (ضرغام‌پور ۱۳۹۱، ۱۲۵-۱۲۶). در ایران باستان، جواهرات علاوه بر زیبایی برای رفع بلا و محافظت در برابر خدایان بدسرت، استفاده می‌شدند. هم‌چنین جواهرات، نشان‌دهنده مقام اجتماعی شخص و اصالت خانوادگی او نیز بوده است (خواججه بیدختی ۱۳۸۸، ۳۸۷). در گذشته، آویختن جواهرات، سمبلی برای اظهار قدرت و نشانه اهمیت و امتیاز طبقه خاصی از مردم آن جامعه نیز بوده است (همان، ۲۳۱). علاوه بر استفاده شاهان از جواهرات سلطنتی در جشن‌ها، تاج، بازوبند، کمربند، شمشیر و دیگر جواهرات خود را در میدان جنگ، به هنگام شکار و حتی وقت استراحت نیز همراه داشته‌اند؛ از این رو، حتی لحظه‌ای تردید در حاکمیت و فرمانروایی ایشان به خاطر افراد راه نمی‌یافته است. این جواهرات، برای شاهان اهمیت دیگری نیز داشته‌اند زیرا خزانه مملکت را تشکیل می‌داده‌اند. ثروت، همیشه مترادف قدرت بوده و متعاقباً، پشتوانه قدرت و صلابت پادشاهان و فرمانروایی آنان، ثروتی بوده که در تملک خود داشته‌اند. طرح‌ها و مصالحی که در ساختن اشیاء سلطنتی به کار رفته، مبین صنایع و هنرهای کشور و میراث هنر بومی است و تأثیر جهان خارج را بر این میراث نمایان می‌دارد (مین و تشینگام ۱۳۵۵، ۱۶). در دوره قاجار، فتحعلیشاه به منظور حفظ

سنگ‌های جواهرات سلطنتی و جلوگیری از فروپاشی آنها، دستور داد تعداد زیادی از سنگ‌ها را بر ظروف، مدال‌ها، تاج‌ها، غلاف شمشیرها و تخت‌های سلطنتی نصب کنند (حیدرآبادیان و عباسی‌فرد ۱۳۸۸، ۲۶). غیر از تعدادی از سنگ‌های قیمتی بزرگ و تاج‌ها، تخت‌ها، شمشیرها و کمربندهایی که قسمتی از تاریخ و سرگذشت نقل و انتقال آنها معلوم است، آگاهی از سرنوشت بقیه مقدور نیست و «اگر این قبیل جواهر و نفایس که هم به علت سختی جنس و هم به سبب احتیاط و توجه همیشگی مردم در ضبط آنها عمری طویل دارند می‌توانستند به زبان بیابند چه داستان‌های شیرین یا جانگداز که برای ما نقل نمی‌کردند و چه قصه‌ها از کشمکش افراد بر سر تملک خود به ما نمی‌گفتند» (اقبال ۱۳۴۰، ۸). جواهرات ملی ایران که در خزانه جواهرات قرار دارند، شامل شمشیرها، خنجرها، کاردها و اشیای نفیس دیگری است که نشان هنر دست هنرمندان ایرانی است. در این مجموعه، می‌توان بیش از ۳۰ عدد شمشیر را مشاهده کرد که با توجه به اطلاعات موجود، حدود ۹۰ درصد آنها متعلق به دوره قاجار می‌باشند. با این حال، امکان این که چند نمونه محدود از شمشیرها متعلق به زمان صفوی باشند، نیز وجود دارد. شمشیرهای ایرانی از قسمت‌های مختلفی تشکیل شده‌اند که در تصویر (۱) نمایش یافته است. در ادامه، به بررسی برخی شمشیرهای خزانه جواهرات ملی می‌پردازیم.



تصویر ۱: اجزای متعدد شمشیر ایرانی (Moshtagh Khorasani 2006, 146).

۳. اثر محفوظ در ویتترین ۵، شماره ۲۰

از شاهکارهای هنری ایرانیان، شمشیری پوشیده از فیروزه می‌باشد که فیروزه‌های یکدست و از بهترین نوع، با مهارتی بسیار به کار رفته‌اند. طول این شمشیر، ۹۷ سانتی‌متر است و کلاهک دسته آن، مرصع به یاقوت و الماس است (تصویر ۲). تیغه این شمشیر، هر چند فاقد شناسنامه است، اما از فولاد آبدیده نوع اعلاست که از رایج‌ترین نوع تیغه‌ها در آن زمان بوده است. امکان دارد که این شمشیر در سده ۱۷ م. (۱۱ ه.ق) در شمال شرق ایران ساخته شده باشد. دسته شمشیر که از عاج است به احتمال بسیار در زمان پرداختن تیغه ساخته شده است اما ترصیعی که بر قبضه آن دیده می‌شود، بعدها به وجود آمده است و این در مورد غلاف نیز صدق می‌کند. جنس غلاف از زر است و بلاط فیروزه دارد. بر این بلاط، دو بست و چند گلچه جواهرنشان با تخمه‌های یاقوت، لعل و زمرد دیده می‌شود و سوی دیگر غلاف، از زر ساده منقوش است. تمامی سنگ‌های سرخ کوچکی که در ترصیع به کار رفته، یاقوت هستند (مین و تشینگام ۱۳۵۵، ۱۰۶).



تصویر ۲: ویتترین ۵، شماره ۲۰، خزانه جواهرات ملی ایران (عکس از خزانه).

روی دسته، شاهد نخ‌هایی به ظاهر از جنس زر هستیم که در پایین کلاهک و هم چنین نزدیک بلچاق شمشیر قرار گرفته‌اند. حتی در زیر دسته عاج هم یک ردیف زمرد برای تزئین دیده می‌شود. اگر به سطح بلچاق با دقت نگاه شود، متوجه می‌شویم که در مرکز، یاقوتی به صورت برجسته نشانده شده است. مانند دیگر تزئینات، گرداگرد این یاقوت نیز مرصع به یک ردیف الماس می‌باشد. سرتاسر بلچاق نیز تماماً الماس است و قرینگی تزئینات در این قسمت دیده می‌شود. تزئینات بلچاق و بست‌های شمشیر، هماهنگ هستند چرا که در مرکز بست‌های بادامی شکل نیز یاقوت دیده می‌شود و اطراف آن الماس نشانده‌اند. در هر طرف قسمت لبه بالایی بلچاق، ۱۲ یاقوت قرار دارد. دو طرف بازوهای چلیپا در این شمشیر نیز همان‌طور که در این دوره رایج بوده است به دو قبه گروهی شکل منتهی می‌شود.

سنگ‌های به کار رفته در دو طرف بست‌ها متقارن هستند، به گونه‌ای که در دو طرف آنها یک ردیف یاقوت سرخ قرار گرفته و بعد از آن در وسط، تزییناتی از سنگ که شبیه نیمه‌ای از گل هستند، دیده می‌شوند. مرکز این گل نیمه، از سنگ زمرد و گلبرگ‌های آن یکی در میان، یاقوت و الماس هستند. فیروزه‌ها در سطح غلاف به صورت مورب کنار هم چیده شده‌اند ولیکن درست در وسط غلاف و در طول آن یک ردیف فیروزه به صورت مستقیم قرار گرفته است، به گونه‌ای که گویی غلاف را به دو قسمت تقسیم کرده‌اند. دیگر تزیینات موجود روی غلاف و مابین فیروزه‌ها، تزییناتی دایره‌مانند هستند که در همه آنها یاقوت و زمردی کمی درشت‌تر در وسط قرار گرفته و اطراف آنها را سنگ‌های دیگر از جمله الماس، یاقوت و زمرد فرا گرفته‌اند.

یاقوت از نادرترین گوهرها محسوب می‌شود و از زمان باستان موردعلاقه ایرانیان بوده است. افسانه‌های زیادی در مورد یاقوت نقل شده است. از میان دوازده سنگی که خداوند خلق کرده، یاقوت بالارزش‌ترین آنهاست (خواجه بیدختی ۱۳۸۸، ۲۰۷ و ۲۴۲). یاقوت از واژه «Hyacinthos» به معنی نوعی زهر گرفته شده است. اهمیت این سنگ به اندازه‌ای بوده که در چند جای قرآن از آن یاد شده است (محمدی و فرمانی انوشه ۱۳۹۱، ۴۹ و ۲۴۹). همچنین در شعر فارسی لب، اشک، گونه و ... و در اشعار حماسی نیز خون، برق شمشیر و ... به یاقوت تشبیه شده است (قربانی ۱۳۸۲، ۲۱۱). یاقوت بعد از الماس سخت‌ترین سنگ است که هیچ سوهانی به جز الماس بر آن کارگر نمی‌افتد و بر روی آتش دوام بسیار دارد. بهترین رنگ در یاقوت سرخ، قرمز خالص با سایه‌های آبی رنگ به شمار می‌رود که به خون کیوتر تشبیه شده است (موحد ابطحی ۱۳۸۶، ۶۱). در سوره مبارکه «الرحمن» از حوریان بهشتی به «كَأَنَّهنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ» تعبیر شده است و در احادیث نبوی آمده است که بعضی از مطیعان اهل اسلام را به سبب کمال درجات ایشان در بهشت، قصرها کرامت کند از یاقوت سرخ و این دلیلی است واضح بر شرف و عزت یاقوت (طوسی ۱۳۴۸، ۲۹). در هند، یاقوت برای تزیین فتنجان‌ها، گلدان‌ها و دسته شمشیر استفاده می‌شده است. عشق و محبت، دو ویژگی هستند که با یاقوت منعکس می‌شوند. از یاقوت با بهترین رنگ همیشه به عنوان خون جگر، یاد شده است (خواجه بیدختی ۱۳۸۸، ۲۰۸). این سنگ گرانبها، به خداوندگار گوهرها مشهور است. در مشرق زمین اعتقاد بر این بوده است که یاقوت نشانه زندگی و حیات است و بر این باور بودند که یاقوت، قطره‌های خون قلب مادر زمین است. این سنگ موجب افزایش انرژی و شهامت می‌شود (قربانی ۱۳۸۲، ۲۷۵). این سنگ در ارتباط با خورشید است و یاقوت سرخ، نشانه خوشبختی است. از سلمان فارسی نقل شده است که در زمان ساسانیان بر این باور بودیم که خداوند، یاقوت را در نوروز و زبرجد را در مهرگان برای زیور مردم آفرید و این دو روز را به دیگر روزها و یاقوت و زبرجد را به سنگ‌ها برتری بخشید (افضل طوسی ۱۳۹۳، ۲۱۳).

زمینه پوشیده از فیروزه این شمشیر، در نگاه اول فلس‌های پوست مار را به بیننده القا می‌کند. رنگ غالب در اثر به دلیل وجود فیروزه، آبی است که در تضاد با رنگ قرمز یاقوت‌ها، زیبایی خاصی به وجود آورده است. فیروزه، سنگی که به گفته بسیاری از سیاحان، سنگ موردعلاقه و ملی ایرانیان است. در شاهنامه فردوسی هم برای تزیین و ترصیع شمشیر از فیروزه استفاده می‌شده است که نام آن، معمولاً توصیف‌کننده ارزش و زیبایی موصوف آن بوده است (گرامی ۱۳۹۴، ۶۹). سنگ فیروزه، حرز بسیار مهمی در برابر حوادث بوده است (موحد ابطحی ۱۳۸۶، ۵۱)، بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که حفظ جان شاهان به هنگام حمل این شمشیر از دلایل مورد توجه سازندگان اثر بوده است. همراه داشتن فیروزه، مایه پیروزی و سعادت است و این سنگ را در فرهنگ فارسی معین، «حجرالظفر» و یا «حجرالغلبه» نامیده‌اند (محمدی زاده ۱۳۹۲، ۱۱۱). نظر به اینکه فیروزه همواره جزو ذخایر بالارزش پادشاهان بوده است، تعجبی ندارد که تجمع این تعداد فیروزه را روی شمشیری ببینیم که با توجه به این تفاسیر، به احتمال قوی متعلق به یکی از شاهان یا صاحب‌منصبان خاصه دربار بوده است و لذا شخصی که همواره می‌خواست خود را باشکوه و پیروز نشان دهد، دستور به ساخت چنین شمشیری داده است.

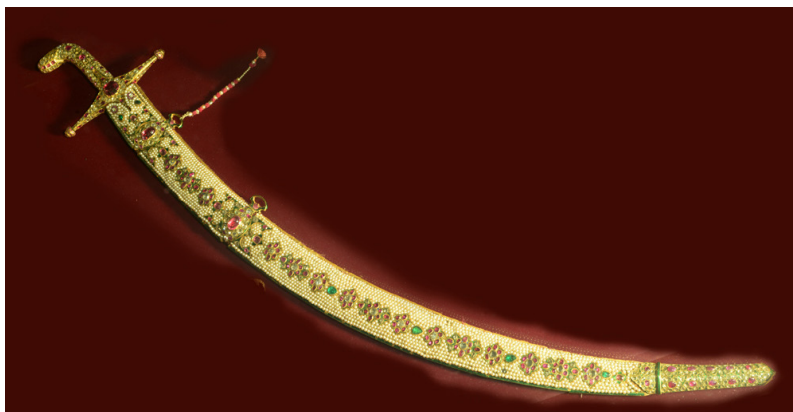
از زمان قدیم، الماس را شاه گوهرها می‌گفتند و از واژه یونانی «Adamas» مشتق شده و به معنی تسخیر ناپذیر می‌باشد که چون سختی آن بالاتر از همه سختی‌ها بوده و هیچ کانی در طبیعت از آن سخت‌تر نبوده است، این نام را به آن عطا کردند (معزز لسکو ۱۳۸۰، ۸۵). این سنگ قیمتی، از کربن که فراوان‌ترین عنصر موجود در طبیعت است ساخته شده و سخت‌ترین و پاک‌ترین ماده را در روی زمین تشکیل می‌دهد. به طور کلی، در ادیان مختلف، از الماس به عنوان سمبل ابدیت و بقا نام برده شده است (غیبی ۱۳۹۱، ۶۴). این گوهر به صورت طبیعی دارای صفات و خواص بسیار است. برای دارنده آن شکوه و قدرت می‌آورد و به صاحب آن نیروی بسیار زیاد، شجاعت، شهامت و بردباری می‌دهد. برخی بر این باور هستند که الماس، انرژی‌های منفی و نیروهای شوم را از دارنده آن دور می‌کند (عربشاهی ۱۳۹۱، ۲۰). هر کسی که الماس با خود دارد، از مکر و میکیدت اعداء در امان باشد و هیچ دشمن بر او ظفر نکند (زاوش ۱۳۴۸، ۱۵۲). الماس به شکل وسیعی برای حفاظت از بشر، به عنوان طلسم مخصوصاً حفاظت از چشم زخم استفاده می‌شده است. هم‌چنین در مبارزات، طلسم شکست‌ناپذیری بود. در شرق، گاهی به عنوان چشم سوم بت، از آن استفاده می‌شد (قربانی ۱۳۸۲، ۵۷).

عدد دوازده، عددی است که نظام تقویمی و ساعتی بشر بر اساس آن تنظیم شده است. سال به ۱۲ ماه تقسیم شده و روز و شب هر کدام به ۱۲ ساعت بخش‌بندی گردیده‌اند (خزایی ۱۳۸۸، ۱۷). تعداد ۱۲ عدد یاقوت در لبه‌های این شمشیر که روی هم به ۲۴ می‌رسند، می‌تواند به همین ویژگی اشاره داشته باشد و مؤید توجه خاص به عنصر زمان در فرهنگ و متعاقباً هنر ایران است. شمشیر که دو لبه دارد، مانند مفهوم عدد دو در

شبانروز و نیز اشاره به نقش تدافعی آن در همه اوقات دارد. ضمن آنکه از یک سو شمشیر روشنایی، نور و ظفر است و از سوی دیگر، تیغی بُرنده و کُشنده که چون تیرگی شب بر خصم فرود می آید.

۴. اثر محفوظ در ویتترین ۱۵، شماره ۷

از جمله شمشیرهایی که منسوب به فتحعلیشاه قاجار می باشد و به احتمال قوی و به استناد رقم آن، تزیینات آن در دوره این شاه دستکاری و متناسب با این زمان، بازسازی شده است در تصویر (۳) نمایش یافته است. طول این شمشیر ۱۰۲ سانتی متر می باشد و تیغه آن در زمان حکومت شاه عباس ساخته شده است (Moshtagh Khorasani 2006, 186). این شمشیر بسیار مورد توجه فتحعلی شاه بوده، به طوری که در بسیاری از پرتوهای باقیمانده از وی، تصویر این شمشیر آورده شده است. سنگ های به کار رفته در این اثر هنری، علاوه بر مروارید، یاقوت، الماس و زمرد هستند. استفاده از مواد گرانبها و سنگ های قیمتی در این شمشیر را شاید بتوان نشان از ثروت انبوهی دانست که در اختیار شاهان قاجار بوده است. دسته شمشیر با الماس و یاقوت پوشیده شده و ساییدگی هایی که بر لعل درشت روی قبضه شمشیر مشهود است، نشان دهنده آن است که این شمشیر، مورد استفاده بسیاری داشته است (مین و تشینگام ۱۳۵۵، ۸۲).



تصویر ۳: ویتترین ۱۵، شماره ۱۲، خزانه جواهرات ملی ایران (عکس از خزانه).

وزن یاقوت روی قبضه این شمشیر، ۴۰ قیراط^۲ است و یاقوت های روی بست ها، هر یک ۲۰ قیراط وزن دارند. فرم بلچاق در جهت عمودی کوتاه و در جهت افقی کشیده تر است. در مرکز بلچاق، قطعه درشتی از یاقوت به چشم می آید و رعایت اصل قرینگی در این بلچاق کاملاً مشهود است. هم چنین دو طرف بلچاق به تزیینات کروی شکل آراسته شده است. کلاهدک شمشیر، همان گونه که در این دوره رایج بوده، با زاویه ۹۰ درجه نسبت به دسته قرار گرفته است. در اطراف آن، ردیفی از الماس دیده می شود و تعداد هشت عدد یاقوت نیز روی بازوهای چلیپا دیده می شود که یکی در بالا و یکی در پایین و سه عدد هم در طرفین قرار دارند. بست های این شیء ارزشمند، بادامی شکل هستند و می توان گفت شباهت بسیار زیادی با تزیینات روی بلچاق دارند. روی این بست ها نیز یاقوتی در مرکز قرار دارد در حالی که ردیفی از الماس ها، گرداگرد آن را فرا گرفته و چهار عدد یاقوت کوچک تر نیز در دو طرف آن قرار دارند.

اعداد و شمارگان به کار رفته روی این شمشیر رابطه ای معنادار میان اعداد و باورها و اعتقادات و یا جنبه های رمزی آنها را به ذهن متبادر می سازند. قسمت های مرصع کاری شده روی غلاف، به پنج قسمت تقسیم شده که همه آنها مشابه یکدیگرند. احتمالاً این پنج قسمت، اشاره ای به پنج تن آل عبا دارند. در واقع، گویا یک طرح در کل غلاف تکرار شده است. به گونه ای که در فاصله بین بست ها نیز دیده می شود، هر قسمت طرح، سه گل شش پر را نشان می دهد که در مرکز آنها الماس و گلبرگ های آن را با یاقوت آراسته اند. در دو طرف گل میانی، دو قطعه الماس در طرفین و یک یاقوت در وسط قرار دارد که تداعی گر فرم برگ برای گل ها است و به نقش گل های شاه عباسی نیز نزدیک است. به جز طرح بین بست ها، باقی طرح ها با یک قطعه زمرد از یکدیگر تفکیک شده اند.

تزیینات غالب غلاف، با مرواریدهای غلتان شکل گرفته است. در واقع، سطح غلاف دارای تقسیم بندی منظمی است که تنوع و تراکم رنگ سنگ ها با سفیدی رنگ پیش زمینه، هماهنگی زیبایی را به وجود آورده است. مروارید، همواره مظهر پاکی و زیبایی و مورد توجه ایرانیان بوده است. به خصوص در آثار جوهری زمان قاجار بسیار به کار رفته و شاید برای نمایش پاکی و صداقت شاهان بوده باشد. از نوع آراستگی این شمشیر نیز می توان بدین نتیجه رسید که این اثر سلطنتی و تشریفاتی، برای نمایش مقام و قدرت فتحعلیشاه استفاده می شده است.

به طور کلی، ۱۶ گل شش پر در کل اثر دیده می شود و چهار زمرد که در بین این فرم ها خودنمایی می کنند. حد فاصل سال های ۱۲۱۲ تا ۱۲۱۸

ه.ق دوره‌ای بود که فتحعلیشاه به تثبیت سلطنت خود مشغول بود و بیش‌ترین سرکوب‌ها در حدود سال‌های ۱۲۱۲ تا ۱۲۱۶ ه.ق به نتیجه رسید. این احتمال را می‌توان داد که عدد ۱۶ در اینجا اشاره به اوج فتوحات داخلی شاه داشته باشد. هم‌چنین در خصوص کاربرد گل‌های شش‌پر باید به جایگاه عدد شش در فرهنگ ایران اشاره شود. شش دانگ، شش جهت، شش روزن و شش خاتون از جمله معانی مثبتی است که این عدد معرف آنهاست. شش دانگ به کمال و فراگیری تام و شش جهت یا روزن که به شش جهت عالم مادی یا جهان اشاره می‌کند. هم‌چنین شش خاتون، شش عروس یا شش بانو هم گفته شده که ماه و پنج سیاره عطارد، زهره، مریخ، مشتری و زحل را شامل می‌شود. این سیارات، در باورهای باستانی به ویژه در بین‌النهرین، در سرنوشت انسان‌ها دخالت داشتند و حتی گاه منبع سنگ‌های نایاب و گرانبها را این سیارات می‌دانستند. به این ترتیب، ماه که ایزد موکل بر روز دوازدهم هر ماه شمسی (موسوم به ماه) است، در عین آن که نمادی از دوازده امام شیعه است، در این شمشیر معرف شاهنشاهی است. سلطنتی که به فتحعلیشاه سپرده شده که چون ماه می‌درخشد و در شمال، زیبایی‌ای چون بدر ماه دارد. در کلام و قلم، زبده عصر و در جنگ و دلاوری، بی‌رقیب، به پیمان خود وفادار و حافظ مُلک و قاضی‌القصاض عادل است که پاسبان و نگهدار کشور و مردمان آن می‌باشد.

ته غلاف شمشیر، دارای تزیینی متفاوت و مرصع به الماس است، حال آنکه ۱۲ یاقوت در شش ردیف دوتایی در بین الماس‌ها قرار گرفته‌اند و این ۱۲ یاقوت می‌تواند دلالت بر ۱۲ امام شیعیان داشته باشد. اما از سوی دیگر، سال جلوس فتحعلیشاه نیز ۱۲۱۲ است که تقارن این مورد با تعداد ائمه شیعه، می‌تواند دلیلی بر تأکید بیش‌تر بر این عدد باشد. انتهای غلاف، شکلی شبیه عدد ۷ دارد که می‌تواند اشاره به هفت ستاره پروین و آسمانی بودن ریشه‌های سلطنت پادشاه باشد.

۵. اثر محفوظ در ویتترین ۱۵، شماره ۱۲

پایه اصلی تزیین در این شمشیر، الماس است و دارای غلافی با زمینه مخمل آبی‌رنگ می‌باشد. روی دسته شمشیر، طرح‌های جناغی شکل با الماس به چشم می‌خورد. روی بلچاق این شمشیر نیز قطعه‌ای الماس مدور در مرکز و دورتادور آن نیز مانند تزیینات دیگر یک ردیف الماس کوچک‌تر نشانده شده است. در چهار جهت داخل چلیپا نیز شاهد تکرار همین تزیین اما در ابعاد کوچک‌تر هستیم (تصویر ۴).

سر طرفین بلچاق در انتها به دو حجم کروی شکل منتهی می‌شوند و این نوع تزیین، در شمشیرهای دوره صفوی (شاه عباس صفوی) به چشم می‌آید. مشتاق خراسانی معتقد است این فرم تزیینی در بلچاق‌ها را از سر مناره‌های حرم حضرت امام حسین (ع) الهام گرفته‌اند (تصاویر ۵ و ۶). علاوه بر آن، این نوع تزیینات، در شمشیرهای منسوب به کریم خان زند هم دیده می‌شوند (Moshtagh Khorasani 2006, 180-181).

از دیگر تفاوت‌های این شمشیر با دیگر شمشیرهای مورد مطالعه، محل نصب حلقه‌های بست‌ها می‌باشد که تنها در این شمشیر و دو نمونه دیگر آنها را در قسمت محدب انحنای شمشیر متصل کرده‌اند. سرتاسر غلاف، هم‌چون دیگر قسمت‌ها، مرصع به الماس روی زمینه مخمل آبی است. در این شمشیر، بست‌های غلاف برخلاف دیگر شمشیرها بادامی شکل نیست بلکه با سه ردیف هشت‌تایی الماس کوچک، شکلی مستطیلی دارد. در بقیه قسمت‌ها نیز شاهد طرح‌های گل و برگ و ساقه هستیم که از بالا تا پایین غلاف تکرار شده‌اند. فرم گل‌ها به گل‌های چندپر شباهت دارد که این گونه طرح‌ها، به عقیده ویلسون، هرگز از مد نمی‌افتند و در طول اعصار پا برجا مانده‌اند (۱۳۸۶، ۲۷).

متأسفانه امکان تصویربرداری از تیغه این شمشیر وجود نداشت اما در کتاب راهنمای خزانه جواهرات آمده است که روی تیغه آن در میان یک ترنج، عبارت «السلطان رضا شاه پهلوی ۱۳۰۴» طلاکوب شده است که در واقع معرف سال تاجگذاری رضا شاه پهلوی است و در آن هنگام، از طرف شیخ خزعل به شاه تقدیم شده است (۱۳۵۵، ۱۹). در نتیجه، این شمشیر در سده ۱۴ شمسی و در ایران ساخته شده است.

منابع
پیرهای ایران

سال سوم، شماره ۲، پیاپی ۵
پاییز و زمستان ۹۹



تصویر ۶: بلچاق شمشیر شماره ۱۲، ویتترین ۱۵، خزانه جواهرات ملی (عکس از خزانه).



تصویر ۵ - مناره حرم امام حسین در کربلا (<http://atabat-tehran.ir>).



تصویر ۴: ویتترین ۱۵، شماره ۱۲، خزانه جواهرات ملی ایران (عکس از خزانه).

بر روی بند این شمشیر عبارت «بِسْمِ اللّٰهِ وَ اِنْ يَكَاذُ اللّٰهُ» با الماس و به خط نستعلیق بر زمینه مخمل آبی نوشته شده است. استفاده از ادعیه و آیات قرآنی روی اشیای مختلف از زمان صفوی متداول بوده است و یکی از نوآوری‌های دوره صفوی بوده که نقش مهمی را روی جنگ‌افزارها ایفا می‌کردند (مرزبان ۱۳۹۰، ۱۰). به طور کلی، مضمون این نوشته‌ها دلالت بر اعتقادات مذهبی اسلامی دارد. شاید بتوان اعتقاد به راهگشا بودن بعضی آیات را سبب پدیدار شدن این مضامین بر اشیاء مختلف به خصوص شمشیرها دانست. آیه «وَ اِنْ يَكَاذُ» برای دفع شورچشمی و چشم زخم به کار می‌رفته است. پس می‌توان چنین برداشت کرد که بر مبنای اعتقادات آن روز، این آیه را بر بند شمشیر گوهرنشان کرده‌اند. اعتقاد بر این بوده است که الماس برای دارنده آن شکوه و قدرت می‌آورد و به صاحب آن، نیروی شجاعت و شهامت می‌دهد و احتمالاً این تفکر، دلیلی بر تزئین سرتاسری این شمشیر با الماس می‌باشد. هم‌چنین به نظر می‌رسد هنرمند سعی داشته تا با در کنار هم قرار دادن مجموعه‌ای از نقوش، اثری فاخر و در شأن مقام پادشاه را خلق کند.

چهار جهت چلیپا روی این شمشیر به نوعی در تناسب با عبارت نگارش شده روی بند این شمشیر، ترصیع شده‌اند. عدد چهار در واقع تعداد حروف «الله» است و به معنایی، رقم کمال الهی است. هم‌چنین، بازوهای چلیپا، نماد چهار جهت اصلی و چهار عنصر تشکیل‌دهنده عالم طبیعت می‌باشند (کوه نور ۱۳۸۳، ج. ۳، ۲). چلیپا، مظهر الوهیت است و هر کدام از اینها، به گونه‌ای در هماهنگی با آیه مرصع کاری شده روی بند هستند.

۶. اثر محفوظ در ویتترین ۲۴، شماره ۱۹

از دیگر شمشیرهایی که به جرأت می‌توان گفت جزو شاهکارهای ترصیع به شمار می‌آید، اثر معروف به «شمشیر جهانگشای نادری» است (تصویر ۷). این اثر، توجه هر بیننده‌ای را متوجه تالو و درخشش قطعات الماس خود می‌کند و هر چشمی، از کثرت نورافشانی قطعات، با حیرت و اعجاب به آن دوخته می‌شود. نادرشاه بدون شک یکی از امیران ایرانی با کارنامه‌ای درخشان در تاریخ پر فراز و نشیب ایران است. این شمشیر، یادگاری از جهانگشایی بزرگ است که نه تنها ملتی را از جنگ‌های داخلی و تعارض دشمنان رهایی داد، بلکه کشوری نیرومند چون هندوستان را نیز فتح کرد. شمشیر جهانگشای نادری با شمشیر شارلمانی محفوظ در موزه وین برابر است که روزگاران امپراتوری مقدس روم را به خاطر می‌آورد. روایت شده است که فاتح هند، به گاه پیکار این شمشیر را به دست می‌گرفته است (مین و تشینگام ۱۳۵۵، ۱۵). این اثر هم مانند دیگر شمشیرهای خزانه جواهرات ملی، جهت نمایش شکوه و قدرت شاهان و تأکیدی بر مقام ایشان در نظر بینندگان بوده است.



تصویر ۷: ویتترین ۲۴، شماره ۱۹، شمشیر جهانگشای نادری، خزانه جواهرات ملی ایران (عکس از خزانه).

این شمشیر، صد سانتی‌متر طول دارد و دارای چهار الماس با وزن‌های ۱۳ تا ۲۰ قیراط می‌باشد که سه‌تای آنها پرنگ هستند و درشت‌ترین آنها دودی رنگ است. بیش از ۸۰۰ الماس دیگر نیز روی آن کار شده است (توکلی بزاز ۱۳۸۰، ۱۱۵). غلاف و ضامن شمشیر از یک طرف و قبضه و کلاهک آن از هر دو سو به الماس مرصع هستند و با طرحی متقارن بر زر نشانه شده‌اند. بر قسمت مرکزی بلچاق این شمشیر، الماسی درشت قرار دارد و در اطراف آن نیز الماس‌های دیگری نشانه شده‌اند. در قسمت بست‌ها که بادامی شکل هستند، قطعه الماسی مربع شکل در وسط قرار گرفته است و دورتادور آن الماس‌هایی کوچک‌تر به چشم می‌آیند. حتی تسمه کوتاه مخملین شمشیر، ناوهای زرین الماس‌نشان دارد. تعداد این الماس‌ها ۱۲ عدد است که کنار یکدیگر چیده شده‌اند. در کل غلاف، رنگ طلایی زمینه با درخشندگی الماس‌ها، شکوه خاصی به این شمشیر بخشیده است. این دانه‌های پرتالو با نظمی خاص و به شکل طرحی جنافی کنار هم قرار گرفته‌اند.

چنانچه در کتاب جواهرات سلطنتی ایران آمده است، پشت غلاف و ضامن این شمشیر دارای متن و طرح‌هایی از مینا است. بر قسمت چلیپا یا همان بلچاق قبضه، تصویری از فتحعلیشاه که کلاهپوست سیاهی با نیم‌تاج و جقه بر سر دارد، به چشم می‌خورد. از قراین چنین برمی‌آید که این تزئینات به عهد او تعبیه شده است (مین و تشینگام ۱۳۵۵، ۶۹). ضامن شمشیر، حاوی چهار لوحه کوچک است که روزگاری چهار مصراع رباعی به خط نستعلیق بر آن نوشته شده بوده و امروز جز دو مصراع اول بر جای نمانده است و دو مصراع دیگر، تراشیده و محو شده‌اند:

این تیغ جهانگشا که کان گهر است

گردون قتل را هلال ظفر است

در این بیت نام شمشیر هم آمده است که در واقع به جهانگشایی‌های نادر اشاره دارد. بست‌های تسمه پشت غلاف نیز بادامی شکل هستند و هر کدام دارای چهره شاهزاده‌ای جوان است که کلاه قره‌گل مخصوص قاجاری به سر دارد و با تکنیک مینا اجرا شده است. نام ایشان نیز رقم شده است و گویا هر دو پسران فتحعلیشاه بوده‌اند. بر کفشک ته غلاف، تصویری از پردازنده کار است که همین شمشیر را به دست دارد. بالای این تصویر، طرح سه گوشه‌ای است که بر آن نوشته‌اند:

تمثال یکی چاکر کار آگاه است

این چهره که در تراز شاهنشاه است

افتاده به پای شاه، عبدالله است

تا آب بقا بنوشد از کام ملک

در واقع می‌توان چنین برداشت کرد که در بیت اول، به تصویر سازنده اشاره شده و نام عبدالله در بیت دوم، به میناکار معروف عهد فتحعلیشاه اشاره می‌کند (ذکاء و سمسار ۱۳۴۵). در کتاب گوهر ایران نیز به این موضوع اشاره شده که سازنده تزیینات این شمشیر، استاد عبدالله نامی بوده که در جواهرسازی دربار کار می‌کرده است (توکلی بزاز ۱۳۸۰، ۱۱۵) (تصویر ۸).



تصویر ۸: پشت غلاف شمشیر جهانگشای نادری (توکلی بزاز ۱۳۸۰، ۱۱۵).

در نوک غلاف، شیری در حال تاختن به غزال تصویر شده است. تیغه این شمشیر، از پولاد آبدیده اعلاست که بر آن نشانی زراندود دیده می‌شود و این کلمات بر آن نوشته است: «السلطان فتحعلی شاه قاجار، ابوالسیف». شگفت آنجاست که تصویری که این شمشیر همراه فتحعلیشاه باشد در دست نیست. اما در تالار مرمر کاخ گلستان، تابلوی پیکر سواره‌ای موجود است که بر آن رقم شده است: «احمد ۱۲۶۰». این پیکره از آن محمدشاه، جانشین فتحعلیشاه است و همین شمشیر را به همراه دارد (مین و تشینگام ۱۳۵۵، ۶۹). کاربرد الماس در این اثر، از دیگر نشانه‌های بصری نمایش قدرت و شهامت شاهان قاجار بوده است. تعداد دوازده الماس به کاررفته در این شمشیر، کماکان به اهمیت این عدد نزد شیعیان اشاره دارد و به نوعی زمینه‌ساز توکل و مددجویی از ائمه علیهم السلام می‌باشد.

۷. اثر محفوظ در ویتترین ۲۵، شماره ۵

این اثر با توجه به تزیینات رایج دوره ساخت، روی غلاف خود نوشته‌هایی به زبان عربی دارد و مؤید نقش و تأثیر باورهای مذهبی بر نحوه تزیین و مضامین نوشتاری شمشیرها می‌باشد.

کلاهیک این شمشیر زرنشان، به سنگ‌های قیمتی و گرانها از جمله الماس، یاقوت و زمرد مرصع شده است. دسته آن بدون تزیین و ساده است (تصویر ۹). بلچاق شمشیر، پوشیده از الماس است. حال آنکه قطعه‌ای یاقوت در مرکز آن و در بین الماس‌ها جلوه‌گری می‌کند. در اطراف این یاقوت، شاهد دو ردیف الماس هستیم. در ردیف اول که قطعات کوچک‌تر را شامل می‌شود، تعداد ۱۲ و در ردیف دوم، ۱۰ عدد الماس بزرگ‌تر دیده می‌شود. انتهای بازوی افقی بلچاق نیز به دو صفحه تخت دایره‌شکل شبیه دکمه ختم می‌شود. این نوع تزیین در بلچاق‌های دوره قاجار رایج بوده است و در شمشیرهای دیگری هم دیده می‌شود. تا جایی که در تصویر موجود قابل تشخیص است، در فاصله بین بلچاق و بست اول روی غلاف، عبارت «سلطان ناصرالدین شاه» به چشم می‌آید که هویت صاحب شمشیر را مشخص می‌نماید. مرصع کاری روی بست‌ها مانند تزیین بلچاق است با این تفاوت که یک ردیف ۱۰ تایی الماس گرداگرد آن واقع شده است. هم‌چنین نام ناصرالدین شاه چنانچه حرف «د» مشدد خوانده شود، دارای ۱۰ حرف است. عبارت دیگری که روی غلاف قابل تشخیص است عبارت «رب الفتح و لا



تصویر ۹: ویتترین ۲۵، شماره ۵، خزانه جواهرات ملی ایران (عکس از خزانه).

فتی إلی علی لا سیف إلی ذوالفقار» است. به کار بردن اسماء الهی، احادیث و آیات قرآنی در فلزکاری دوره قاجار متداول بوده است. گاهی از این عبارات برای گشایش در کارها استفاده می شده است و می توان کاربرد «رب الفتح» را دلالتی بر این موضوع دانست. «لا فتی إلی علی لا سیف إلی ذوالفقار» به این معناست که جوانمردی به شجاعت امام علی (ع) و شمشیری چون ذوالفقار وجود ندارد. این عبارت، نشان دهنده عشق و ارادت سفارش دهنده و هنرمندان سازنده نسبت به آن حضرت بوده است و همچنین اشاره ای به رشادت های حضرت علی (ع) در جنگ ها دارد. به هر حال، ارتباط هنر و دین را به گونه ای می شود در این تزیینات مشاهده کرد. بعد از این عبارت چند کلمه دیگر وجود دارد. اولین کلمه، «فرمایش» است و بعد از آن قابل خواندن نمی باشد اما باید نام سفارش دهنده ساخت یا تزیین این شمشیر باشد. اگر با دقت بیش تری به این قسمت نگاه شود، درمی یابیم که علائمی مانند فتحه و سکون، با رنگ قرمز میناکاری شده اند. رنگ قرمز در میناکاری دوره قاجار رایج بوده است. بست های این شمشیر دارای تسمه ای مزین به الماس است. تزیینات این تسمه، شکلی شبیه S دارند که پشت سر هم ردیف شده و تعداد آنها ۱۵ عدد است. انتهای غلاف، تزیینات ساده ای به صورت حکاکی های سطحی دارد به گونه ای که به نظر می آید در مقابل تنوع و پُرکاری تزیین روی غلاف، هنرمند ترجیح داده است فضای خلوت تری را در این بخش ارائه دهد.

۸. اثر محفوظ در ویتترین ۳۰، شماره ۴۸

این اثر، یکی از شاهکارهای ترصیع به شمار می آید و «شمشیر شاهی» یا «شمشیر سلطنتی» است. این شمشیر بی نظیر در کمال هنری و کاربرد تزیینات، مهارت جواهرسازان و هنرمندان این دوره در تراش احجار کریمه و ترصیع را به خوبی نشان می دهد (تصویر ۱۰). به طور کلی، این شمشیر جدا از سایر اشیای موجود در خزانه جواهرات ملی، نماینده کمال استعداد و هنر استادانی است که آن را به این شکل حیرت افزا درآورده اند. این شمشیر که آراسته به جواهرات گوناگون است، هدیه ای گرانبها از طرف امین السلطان به ناصرالدین شاه است. امین السلطان ملقب به نام «اتابک اعظم» با بهره مندی از ثروت فراوان، قادر به پیشکش این هدیه گران قیمت به شاه ایران بوده است. کاملاً روشن است که با شمشیری جواهرنشان نمی توان به جنگ رفت و بی شک این شمشیر برای استفاده در تشریفات ساخته شده و به هیچ عنوان کاربرد نظامی نداشته است.



تصویر ۱۰: ویتترین ۳۰، شماره ۴۸، شمشیر سلطنتی یا شمشیر شاهی، خزانه جواهرات ملی ایران (عکس از خزانه).

طول این شمشیر، ۱۰۳ سانتی متر است و آنچه در نگاه اول نظر هر بیننده ای را به خود جلب می کند، تالو و هم نشینی رنگ سنگ های قیمتی در کنار یکدیگر است. با کمی دقت به غلاف سراسر پوشیده شده از سنگ، می توان به قرینگی قسمت های مختلف آن پی برد. اگر از سر غلاف تا انتهای آن را به پنج قسمت نسبتاً مساوی تقسیم کنیم، در می یابیم که هر یک از این قسمت ها متقارن هستند. در مرکز غلاف، شاهد یک قطعه زمرد درشت هستیم که در دو طرف آن و به صورت قرینه، سه ردیف سنگ قیمتی دیده می شود که در ردیف وسط، سه یاقوت سرخ و در بالا و پایین هم چهار زمرد گنجانده اند. در کنار این تزیینات، تصویر دو گل متشکل از یاقوت، زمرد و الماس دیده می شود که زمرد در مرکز و الماس و یاقوت، گلبرگ های آنها را تشکیل می دهند. درخشش رنگ سفید الماس ها در بین رنگ های دیگر، نظر هر بیننده ای را به خود جلب می کند. بست های این شمشیر، کاملاً متفاوت از سایر شمشیرهاست. نقش دو گل هشت پر مدور بر روی این بست ها به خوبی قابل تشخیص است و فرم این گل، یادآور لوتوس است. در مرکز این گل ها، زمرد و در گلبرگ های آنها به صورت یکی در میان الماس و ترکیب یاقوت و زمرد به کار رفته است که بر عکس تزیینات قسمت وسط غلاف، این بار زمرد در ردیف وسط و یاقوت ها در طرفین جای گرفته اند.

در مرکز این قسمت متقارن شمشیر، زمردی گرد واقع است که گرداگرد آن به صورت مدور نوشته «سلطان صاحبقران ناصرالدین شاه قاجار»، الماس نشان شده است و شاید بتوان چنین برداشت کرد که چون دایره، نمادی از ابدیت و خداوند است و دلالت بر ابدیت دارد، از این رو نوشتن لقب ناصرالدین شاه به این صورت، به منزله نشان دادن رتبه و مقام شخص شاه بوده است. ضمن آنکه زمرد، گذشته از معانی رمزی آن، به دلیل برخورداری از رنگ سبز که به رنگی بهشتی معروف است، بر جایگاه آسمانی شاه تأکید دارد. در قسمت ته غلاف، شاهد تزیینات با به کار بردن یاقوت و زمرد هستیم که به صورت ردیف هایی یکی در میان کنار هم واقع شده اند. هم نشینی دو رنگ سبز و قرمز که مکمل یکدیگر نیز هستند، زیبایی فوق العاده چشمگیری را در کل اثر به وجود آورده است.

این شمشیر سلطنتی به ۲۷۵ قطعه یاقوت سرخ، ۱۰۲ قطعه زمرد، ۶۴ قطعه لعل و چهار قطعه یاقوت کبود و ۱۲۳۸۴ قطعه الماس آراسته است که درشت ترین آنها ۳۵ قیراط وزن دارد (راهنمای خزانه جواهرات ۱۳۵۵، ۳۹). اگر به تعداد این سنگ ها توجه بیش تری شود، درمی یابیم

که احتمالاً چهار قطعه یاقوت کیود، به چهارمین شاه قاجار که این شمشیر از آن اوست، اشاره دارد. هم چنین مجموع اعداد رقم ۱۲۳۸۴ الماس، برابر با ۱۸ و مضربی از ۹ است. تعداد حروف ناصرالدین شاه به صورت غیرمشمدر نیز عدد ۹ می‌باشد و دو برابر کردن آن، می‌تواند نشان تزاید سن به صورت معقول و نه اغراق‌آمیز باشد. مجموع اعداد رقم ۲۷۵ یاقوت سرخ نیز برابر با ۱۴ است و این عدد در اسلام و بین شیعیان با ۱۴ معصوم هماهنگی دارد.

جدا از ترصیع شگفت‌انگیز این شمشیر، دسته آن نگاه بیننده را به سمت خود می‌کشد. این فرم از دسته، تنها در یکی دیگر از شمشیرهای خزانه جواهرات ملی دیده می‌شود (وبترین ۶، شماره ۷)، با این تفاوت که دسته شمشیر اخیر دارای دو میله خمیده است. در شمشیر شاهی، سه میله خمیده مرصع به یاقوت و زمرد ضامن شمشیر را تشکیل می‌دهند و به طور کلی، فرمی D شکل را به وجود آورده‌اند. در تصاویر (۱۱ و ۱۲) تصاویری از ناصرالدین شاه و احمد شاه نمایش یافته است که شمشیرهایی با فرم دسته مشابه با شمشیر شاهی را به همراه دارند. این نوع ضامن‌ها که در طول جنگ‌های صلیبی نیز وجود داشته‌اند، برای حفاظت از انگشتان دست شمشیرزن نصب می‌شده‌اند. اما نظر به اینکه این شمشیر تنها برای تشریفات بوده و جنبه کاربردی نداشته است، می‌توان فرض نمود که هنرمندان سازنده اثر، برای ایجاد فضایی بیش‌تر جهت نمایش هنر خویش، این ضامن را اضافه کرده‌اند.

سه میله خمیده‌ای که ضامن را تشکیل داده‌اند، به سر ماری الماس نشان منتهی می‌شوند که چشم‌هایی از یاقوت سرخ دارد. میله وسط، با یاقوت و میله‌های بالا و پایین، با زمرد ترصیع شده‌اند. نحوه قرارگیری این سنگ‌ها به گونه‌ای است که تا حدودی پوست مار را به بیننده القا می‌کنند (تصویر ۱۳). مشتاق خراسانی بر این عقیده است که این گونه شمشیرهای دارای ضامن‌های سه میله، تأثیرات شیوه فرانسوی را به خوبی آشکار می‌کنند و تأثیر گرفته از مدل‌های فرانسوی هستند (Moshtagh Khorasani 2006, 205).



تصویر ۱۳: نمای نزدیکی از دسته شمشیر شاهی
(<https://jewelry-blog.internetstones.com>).



تصویر ۱۲: پرتوهای از ناصرالدین شاه (Rabi)
(۱۹۹۹، ۷۸).



تصویر ۱۱: احمدشاه و عده‌ای از رجال
درباری (بهمن‌پور ۱۳۸۵، ۱۰۹).

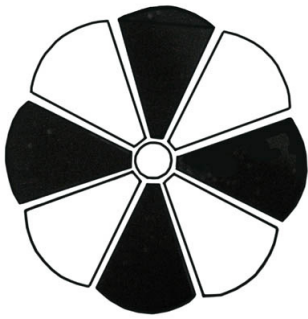
مناظر
پهنای
ایرا

سال سوم، شماره ۲، پیاپی ۵
پاییز و زمستان ۹۹

در پایین قبضه، زیر همان سه میله، میله‌ای گرد وجود دارد که سر این میله نیز مانند سر ماری به نظر می‌آید که یکی از چشم‌هایش زمرد و دیگری از یاقوت است. بخش پایینی این قسمت نیز یکی در میان با زمرد و یاقوت مزین شده است، حال آنکه روی آن فقط یاقوت به چشم می‌آید. در فرهنگ عامه شهرت دارد که زمرد، مار را کور می‌کند و مارگیران، انگشتر زمرد همراه داشته‌اند. خیرگی مار در برابر درخشش رنگ سبز زمرد، فرصت به دام انداختن مار را فراهم می‌کند. در این شمشیر، استفاده از دو سنگ سرخ و سبز در چشمان مار می‌تواند اشاره به تسلیم مار سرخ چشم در برابر زمرد وجود شاه باشد.

ادامه این میله، به قسمت بالای دسته شمشیر می‌رسد که روی دسته آن، مزین به چندین ردیف یاقوت سرخ و الماس‌هایی است که زیبایی ویژه‌ای به اثر داده‌اند. در قسمت روی دسته هم شاهد هم‌نشینی زمرد و یاقوت به صورت یکی در میان هستیم. همین تضاد رنگی سبز و قرمز در کل اثر ترکیبی خیره‌کننده را ساخته است. به نظر می‌رسد هنرمند با کنار هم نشان دادن دو رنگ سرد و گرم، علاوه بر افزایش درخشش و زیبایی اثر، از خواص یاقوت و زمرد نیز آگاه بوده است.

پشت غلاف، داخل طرحی ترنجی، به خط نستعلیق نگاشته‌اند: «بمبارکی و میمنت جهت وجود مسعود اعلیحضرت قدر قدرت ظل الله فی الارضین شاهنشاه عالم پناه در زرگر خانه مبارکه تمام شد. میرزا علیقین ززرگ‌باشی ۱۳۰۶» (مین و تشینگام ۱۳۵۵، ۳۹). «ظل الله» یکی از القاب مورد استفاده برای ناصرالدین شاه بوده و به معنی سایه خداست، به این نشانه که اعلیحضرت، خود را نماینده خدا می‌دانست. در این دوره، نوشتن



تصویر ۱۴: نمونه گل لوتوس (http://seeiran.ir)



تصویر ۱۵: نقش روی بست شمشیر شاهی، خزانه جواهرات ملی ایران (عکس از خزانه).



تصویر ۱۶: محمدرضا پهلوی همراه با شمشیر شاهی (http://fararu.com/fa/news)

نام سازنده یا هر نوشته دیگری داخل ترنج، معمول بوده است. در واقع، ترنج نمادی از خورشید است و در بین ایرانیان برای عامل اصلی جریان زندگی روی زمین، تقدس و احترام قائل بوده‌اند (غراب ۱۳۸۴، ۱۹۵).

از نمادهای شایان ذکر روی بست این شمشیر، گل نیلوفر یا لوتوس است که پیشینه‌ای بسیار قدیمی در ایران دارد و یادآور هشت گنج خسرو پرویز و یا هشت بهشت، هشت خلد و هشت بستان می‌باشد که پیش از دوره اسلامی و پس از آن، مورد توجه بوده است (تصاویر ۱۴ و ۱۵). آرتور پوپ معتقد است که در هیچ جای دنیا، گل نیلوفر به اندازه ایران همگانی و معمول نبوده است (رهبرگنج ۱۳۸۵، ۳۵).

از دوران باستان، مار یک نماد دینی به شمار می‌رفته است (سلیمانی ۱۳۸۵، ۳۳). خواجه نصیرالدین طوسی نیز بیان کرده که این حیوان به درجه‌ای از الوهیت رسیده که به نمادی از حضور خدایان تبدیل شده است (طوسی ۱۳۹۳، ۱۲۶). از این رو، دلیل حضور مار در این اثر هنری را می‌توان به نمایش گذاشتن شوکت شاهان و قدرت خداگونه آنها به شمار آورد. بزرگترین زمرد این اثر زیبا، ۱۱۰ قیراط وزن دارد. سنگ زمرد نیز مظهر فراوانی و ثروت است و طی قرون مختلف، به عنوان سمبل قدرت و حکومت مورد توجه بوده است (ادیب ۱۳۸۵، ج. ۳، ۱۸) که خود دلیل دیگری بر شیوه انتخاب نقوش این شمشیر سلطنتی می‌باشد. علاوه بر آن، زمرد جزو محبوب‌ترین و گرانبه‌ترین گوهرها نزد مسلمان جهان است و امید به ابدیت و رشادت را به ارمغان می‌آورد (عربشاهی ۱۳۹۱، ۱۸). از دیگر خصوصیات این سنگ قیمتی، انرژی بخشی آن است. می‌توان نمایش دلیری و شجاعت شاه قاجار و انرژی‌بخشی به وی را دلیل کاربرد زمرد در تزئین شمشیر سلطنتی دانست.

یاقوت از دیگر سنگ‌هایی است که بعد از زمرد، بیش‌ترین جلوه را در این اثر دارد. یاقوت نیز دارای خواص گوناگونی بوده و نوع سرخ آن، بعد از الماس، از بهترین سنگ‌ها دانسته می‌شود. یاقوت، نشانه زندگی و حیات است و موجب افزایش انرژی و شهامت می‌شود (قربانی ۱۳۸۲، ۲۷۵). می‌توان پنداشت هنرمندان و سنگ‌تراشان این اثر، به دلیل جلوه شهامت شاه دست به استفاده از یاقوت زده‌اند. همچنین استفاده از یاقوت یمانی که از بهترین انواع یاقوت است، به نحوی به برگزیدگی و زندگی شاه اشاره دارد.

با استناد به منابع موجود، شمشیر شاهی بخشی از لباس شاهانه یا فاخر تاجگذاری شاهان قاجار به خصوص ناصرالدین شاه و پادشاهان بعدی گردید. چنانچه محمدرضا پهلوی نیز از این شمشیر برای تاجگذاری استفاده کرد (تصویر ۱۶). در نهایت می‌توان چنین برشمرد که این شمشیر شگفت‌انگیز که به جرأت می‌توان گفت در بین دیگر شمشیرها جلوه‌ای رمزآلود دارد و در تنوع طرح و رنگ بسیار سرزنده است، از شاهکارهای دوره قاجار است که با گذشت سالیان متمدای، هم‌چنان زیبایی و شکوه خود را حفظ کرده است، چنانکه با دیدن آن، هر بیننده‌ای عظمت و بزرگی دارندگان آن را مجسم می‌کند.

۹. نتیجه‌گیری

در خزانه جواهرات ملی ایران، با شمشیرهایی متفاوت با اسلحه کاربردی در میدان جنگ روبرو هستیم. مطالعه شمشیرهای این خزانه، این امکان را فراهم آورد تا دریابیم آراستن که سرچشمه و هدف اصلی هنر ایرانی است، تنها برای خوشایند چشم و لذت‌بردن نبوده بلکه معنایی ژرف‌تر به همراه دارد.

در دوران قاجار، تزئینات ظاهری نسبت به کیفیت کاربردی جنگ‌افزارها بیش‌تر مورد توجه بود. به وضوح می‌توان دید که سلاح‌های سرد، قدرت و صلابت دوران صفویه را از دست داده‌اند. احتمالاً یکی از دلایل افراط در تزئین سلاح‌های دوره قاجار، جنبه تشریفاتی آنها بوده و شیوه‌های اجرای تزئینات مانند مرصع‌کاری، میناکاری و طلاکوب، برای جلوه‌دهی هرچه بیش‌تر سلاح ضروری بوده است. در مجموع، هنرمندان این دوره و سازندگان این شمشیرها، بنا بر خواسته شاهان و سفارش‌دهندگان، سعی بر ارائه اثری داشتند که علاوه بر حفظ کارکرد کلی آن، به نوعی نشان‌دهنده قدرت و شوکت صاحب آن نیز باشد. با این تفسیر، ضمن استفاده از بهترین مواد به کار رفته، به گونه‌ای این اشیا را زینت بخشیده‌اند

که در خور و سزاوار مقام شاهان واقع شوند. انواع و اقسام تزیینات روی شمشیر، از دوره صفوی رایج بوده است و آثار برجای مانده از دوره فتحعلیشاه و ناصرالدین شاه، نقطه اوج این گونه تزیینات به شمار می آید. می توان چنین گفت که در زمان قاجار، هنر فاخر و هنرمندان طراز اول در واقع به نوع ویژه‌ای در خدمت درباریان و قدرتمندان بوده‌اند.

در تزیینات شمشیرهایی که در این مقاله بررسی شدند، ترصیع سنگ‌های قیمتی قابل توجه‌تر از سایر تزیینات است. با توجه به این که سنگ‌ها حتی از اعصار ماقبل تاریخ، مورد توجه آدمی بوده‌اند، این مسئله قابل برداشت است که این گوهرها، همواره نشان‌دهنده شکوه بوده‌اند، لذا استفاده از آنها روی این اشیای نفیس، نشان از تأثیر و نفوذ مستقیم حامیان درباری در طراحی و ساخت این شمشیرها دارد. انعکاس ذوق، سلیقه و نظر این حامیان در گزینش مواد، شکل و تزیین اشیا به وضوح دیده می‌شود. از طرف دیگر، در مورد سنگ‌های گرانبها از دیرباز باورهایی وجود داشته است و گذشتگان آنها را در بردارنده قدرت‌های خاصی می‌پنداشتند. این سنگ‌ها، گاهی به عنوان طلسم و گاهی برای دفع چشم زخم استفاده می‌شدند و حتی در گرایش‌های مذهبی و دینی مردم جایگاه ویژه‌ای داشتند. از این جهت می‌توان گفت که استفاده از سنگ‌هایی مانند الماس، زمرد، یاقوت، فیروزه و ... که از لحاظ زیبایی و کیفیت بر سایر سنگ‌ها برتری دارند، علاوه بر به نمایش گذاشتن زیبایی و جلوه قدرت و شوکت شاهان، به خاطر باورهای رایجی بوده است که در آن دوره وجود داشته و برخی از آنها تا امروز نیز وجود دارند. اما این تنها مقصود طراحان و سازندگان و هنرمندان نبوده است. آنها می‌دانستند که مواد، دارای نیرو و انرژی هستند و قوای اسرارآمیز نهفته در سنگ‌ها و ویژگی‌های درمانی و جادویی آنها را می‌شناختند. لذا همان‌طور که نشان‌دادن شکوه و قدرت دارندگان آثار، حائز اهمیت بوده است، سازندگان آنها، تمام تلاش خود را صرف نموده‌اند تا با استفاده از سنگ‌های گرانبها و هم‌چنین در نظر داشتن نیروها و انرژی‌های موجود در آنها مانند قدرت، ابدیت و بقا، شهامت و ... به ساخت و تزیین این اشیاء بپردازند.

هم‌چنین آنها با اسرار اعداد نیز بیگانه نبودند، به ویژه آنکه نحله‌هایی مانند نقشبندیه و حروفیه و نیز هندسه کمال یافته‌ای که میراث قرن‌های پیشین بود، آنقدر پیچیده و کمال یافته بودند که هنرمندان را در مسیر ساخت قادر می‌ساختند که هر شیء را واجد ارزش‌های مادی و ماورایی نمایند. این افراد با آگاهی از علم اعداد، در انتخاب تعداد سنگ‌ها نیز بسیار ماهرانه عمل کرده‌اند، به طوری که تعداد سنگ‌ها گاهی به مفاهیمی خاص نظیر سال جلوس، تعداد سال سلطنت، رتبه شاه قاجار و ... اشاره داشته‌اند. استفاده از عدد ۵ و یا ۱۴ که اشاره به ۵ تن آل عبا و ۱۴ معصوم (ع) دارد نیز در تزیینات این شمشیرها دیده می‌شود. شاهان قاجار سعی بر آن داشته‌اند تا با این کار از مددجویی ائمه علیهم السلام بهره‌مند شوند. در برخی از این شمشیرهای فاخر، استفاده از آیات قرآنی و اسماء الهی دیده می‌شود. این عبارات، نشان‌دهنده پیوند هنر و دین می‌باشد که خود اشاره به باورها و اعتقادات مذهبی شاهان این دوره دارد.

شمشیر مرصع، به جهانی از اسرار و اوراد و رمزهایی برگرفته از مقدسات دینی و مذهبی مبدل شده است. گویی این شیء، جانی دیگر دارد که فراتر و نیرومندتر از شمشیری است که فولاد بزان آن، هر دشمنی را به هراس می‌آورد. بلکه نماد و هیمنه شاهنشاهی را حمل می‌کرد و حامل آن در حقیقت، تاریخی از عظمت را حمایل می‌نمود که مشحون از رمز و تعویذ بود و برکت خود را از نیروها و قوای ماوراءالطبیعی به ویژه باورهای شیعی اخذ کرده بود.

پی‌نوشت‌ها

۱. بلاط به گونه‌ای از ترصیع گفته می‌شود که در آن، گوهرها بدون فاصله و پهلوی هم چیده می‌شوند.
۲. هر قیراط، تقریباً معادل یک پنجم گرم می‌باشد.

منابع

- ادیب، داریوش. ۱۳۸۵. جهان جواهرات. ج. ۳، زمرد. تهران: انتشارات یادواره اسدی.
- افضل طوسی، عفت السادات. ۱۳۹۳. طبیعت در هنر باستان. تهران: انتشارات مرکب سپید.
- اقبال، عباس. ۱۳۴۰. «تاریخ جواهر در ایران». فرهنگ ایران زمین. ش. ۹: ۴۵-۵.
- بهمن‌پور، محمودرضا. ۱۳۸۵. روزی روزگاری ایران ۱۲۷۵-۱۳۰۵. تهران: نشر نظر.
- توکلی بزاز، محمد. ۱۳۸۰. گوهر ایران. تهران: نشر انوشه.
- حیدرآبادیان، شهرام، و فرناز عباسی‌فرد. ۱۳۸۸. هنر فلزکاری اسلامی. تهران: سبحان نور.
- خزایی، محمودرضا. ۱۳۸۸. شاخص اكمال در اعداد، ردیای ولایت در عدد ابجد. قم: نشر عطر یاس.
- خواجه بیدختی، حسین. ۱۳۸۸. پژوهش‌هایی پیرامون سنگ‌های قیمتی و نیمه قیمتی در ایران و جهان. مشهد: نشر معلا.
- ذکاء، یحیی، و محمدحسن سمسار. ۱۳۴۵. «اشعار و اشیاء». مجله هنر و مردم. ش. (۴۱-۴۲): ۲۱-۹.
- راهنمای خزانه جواهرات و مشخصات بعضی از جواهرات سلطنتی ایران. ۱۳۵۵. تهران: نشر بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

- زابلی نژاد، هدی. «بررسی نقوش اصیل قاجاری». فصلنامه هنر. ش. ۷۸: ۱۴۰-۱۶۹.
- زاوش، محمد. ۱۳۴۸. کانی‌شناسی در ایران قدیم. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- سلیمانی، علیرضا. ۱۳۸۵. «بررسی تطبیقی نقشمایه‌های نیایشی در ایران و هند باستان». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر تهران.
- ضرغام‌پور، فاطمه. ۱۳۹۱. «شناخت و تحلیل کاربرد مردم‌شناختی جواهرات (مورد مطالعه حوزه جواهرات ملی)». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- طوسی، نصیرالدین محمد بن محمد. ۱۳۴۸. تنسوخ نامه ایلخانی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- عربشاهی، محمد [مهرداد]. ۱۳۹۱. عصر جواهرات. مشهد: انتشارات ترانه.
- غراب، راهله. ۱۳۸۴. نماد خورشید در فرهنگ و ادبیات. مشهد: نشر محقق.
- غیبی، مهرآسا. ۱۳۹۱. ۳۵۰۰ سال تاریخ زیورآلات اقوام ایرانی. تهران: انتشارات هیرمند.
- قربانی، منصور. ۱۳۸۲. سنگ‌ها و کانی‌های گرانبها (گوهرها) و جایگاه آنها در ایران. تهران: ناشر آراین زمین.
- کوه نور، اسفندیار. ۱۳۸۱. بررسی نقوش نمادین یا سمبلیک در آثار هنرهای سنتی ایران. ج. ۳. پژوهش و نگارش منتخب صبا. تهران: انتشارات نور حکمت.
- گرامی، بهرام. ۱۳۹۴. سنگ و گهر در هزار سال شعر فارسی (تشبیهات و استعارات). تهران: نشر علمی.
- محمدی، محمدحسین، و نازیلا فرمانی انوشه. ۱۳۹۱. فرهنگ احجار کریمه و معدنی‌ها در ادبیات فارسی. تهران: نشر زوار.
- محمدی‌زاده، اکرم. ۱۳۹۲. «کاربرد سنگ فیروزه در زیورآلات ایرانی». فصلنامه علمی پژوهش هنر. ش. ۳: ۱۰۷-۱۱۲.
- مرزبان، معصومه. ۱۳۹۰. «بررسی تطبیقی ویژگی‌های فنی و هنری جنگ‌افزارهای سرد ایران در دوره صفوی و قاجار (موردپژوهی آثار موزه‌های نظامی تهران، شیراز و بنیاد مستضعفان)». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر تهران.
- معزز لسکو، ضرغام. ۱۳۸۰. گوهرشناسی: بررسی سنگ‌های قیمتی. مشهد: نشر واژگان خرد.
- موحد ابطحی، محمد صدرا. ۱۳۸۶. سنگ‌ها و خواص اعجاب انگیز. قم: نشر عطر عترت.
- مین، وی. بی. و ای. دی. تشینگام. ۱۳۵۵. جواهرات سلطنتی ایران. ترجمه مهرداد نیلی. تهران: نشر بانک مرکزی ایران.
- ناشناس. ۱۳۹۲. خزانه جواهرات ملی؛ کهکشان گوهرهای تابناک ایران. فصلنامه پژوهش هنر. ش. ۳: ۲۶-۳۲.
- ویلسون، اوا. ۱۳۸۶. نقوش اسلامی برای هنرمندان و صنعتگران. ترجمه سما سلطانی. تهران: نشر سها.
- Moshtagh Khorasani, Manouchehr. 2006. *Arms and Armor from Iran*. Legat Publication.
- Raby, Julian. 1999. *Qajar Portraits*. London: Azimuth Editions in Association with the Iran Heritage Foundation.

■ A Comparative Study on the Artistic and Historical Features of Six Royal Blades, Preserved at the Treasury of National Jewels, Iran

Negin Rostami

MA in Handicrafts (Corresponding Author).

Email: incredible_girl2006@yahoo.com

S. Sa'id Seyed-Ahmadi Zāvieh

Associate Professor, University of Art, Tehran.

Receive Date: 21 February 2020 , Accept Date: 24 January 2021

Autonomy and authority are two factors in Iran that has brought wealth and prosperity to the governmental treasury with a great amount of jewels, precious stones and coins in different periods. Even at the time of weak and incompetent rulers, such jewels and coins were to such an extent that they amazed viewers and travelers having them admire and feel astonished. Such wealth and property in the Iranian courts have always accounted for authority, power and financial backing of the state. Hence, the Iranian have attempted to preserve and protect their treasures. The Treasury of National Jewels of Iran is an exhibition of priceless, sparkling jewels collected during different eras, particularly the Qajar dynasty, attracting any viewer's eyes by its glory and beauty. The most exquisite objects in this treasury include swords studded with jewels each with surprising attractiveness. The present research is carried out by using library sources and through observing the real objects. It aims to examine six swords and attempts to study their artistic and symbolic features as well as to answer the following question: Were these swords with such decorated and aristocratic features been used in battles or they have just been a symbol of power and glory of rulers and their kingship? The results indicate that the swords of this era are of extraordinary value and preciousness made by the craftsmen as well as enjoying ritual symbols relating invocations and prayers all derived from the religious beliefs, particularly those of the Shiites.

Keywords: Treasury of National Jewels of Iran, Qajar Swords, Artistic and Historical Features.

مجله صنایع
هنرهای ایران

سال سوم، شماره ۲، پیاپی ۵
پاییز و زمستان ۹۹

۱۴۶